

# آذربایجان

مدیر: ع. شبستری  
 سردبیر: ا. شمس  
 عنوان: تلگرافی  
 نامه آذربایجان  
 جای اداره: خیابان تربیت کوچه  
 بنامی روبروی دبیرستان پرورش  
 عجاتا هفته دو بار منتشر میشود  
 قیمت اتصالات: صفحه ۲-۲ ریال صفحه ۳-۱/۵ ریال  
 قیمت تک شماره: ۵۰ دینار بعد از سه روز یکریال

شماره ۷ سال ۱۳۲۰

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

۱ شنبه ۲ آذر ماه

وزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود  
 وزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - عمل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص  
 داده - و در مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

## علل انحطاط یک ملت چیست؟

البته همه کلمه ملت و ملیت را کرات مراتب شنیده اند و در گفتار و نوشته های خود غالباً استعمال مینمایند ولی در سورتیکه اگر از اغلب اشخاص معنی دقیقی ملت سؤال شود ممکن است از جواب عاجز مانده و نتوانند چنانکه باید شاید آنرا تفسیر نمایند. در حقیقت توده عوام وقتی کلمه ملت را می شنود چیزی در خیل او تجسم مینماید و در عین حال نمیتواند مفهوم آنرا بخوبی درک نموده و آنچه فهمیده است بدیگری نیز بفهماند.

اگر ما بخواهیم در این مقاله عقاید علمای اجتماعی راجع بملیت را ذکر نمائیم گفتار ما بطول انجامیده و قارئین محترم را نیز خسته میکند. ولی بطور مختصر میگوئیم: ملت عبارت از اینست که جماعتی در یک محیط جمع شده و اخلاق، آداب، روحیات، عقاید و زبان مشترکی داشته باشند و بطور خلاصه اتحاد اخلاق، آداب، روحیات، عقاید و زبان توده را ملیت گویند.

علم اجتماع و تاریخ اجتماعی ملل بطور تحقیق ثابت نموده است که ملت وقتی ترقی نموده و پایدار مینماید که ملیت خود را حفظ کرده و در تقویت آن بکوشد و مادامیکه ملیت خود را حفظ مینماید همیشه زنده بوده هیچ قوه ای نخواهد توانست آنرا از بین ببرد. بر عکس اضلال ملتی روزی شروع میشود که ملیت خود را رسیت نداده و در تضعیف آن سعی نماید. این ملت محکوم بزوال بوده عاقبت طوق اسارت و بردگی را خواهد نخواهی بگردن خود خواهد انداخت ما در این مقاله مخصوصاً در این موضوع بحث خواهیم کرد که آیا نظر حکومت سابق نسبت بملیت ما چه بوده و آیا حقیقتاً میخواست است ملیت ما را حفظ نماید یا نه؟

ما با کمال تأثر و تأسف به این

سؤال جواب داده میگوئیم که حکومت سابق بیش از آنچه ما تصور میکنیم بخیانت نموده و کارکنان آن دشمن ما بوده و بضرر ما کار میکردند و حتی نیز پاره از آنان کارهای سابق خود را دنبال میکنند! چه آن خیانتکاران ملیت ما را زیر پا گذاشته و جدان ملی ما را پایمال نموده اند!

مسلم است که اخلاق، رسوم و آداب ملی، عقاید و زبان عوامی است که مثل زنجیرهای محکمی افراد یک ملت را بهم دیگر مربوط نموده آنان را بیک اتحاد ملی سوق میدهد. افراد این ملت هیچوقت از هم جدا نشد و روز بروز بر قوت و قدرت آنان افزوده میشود. خوشا بر حال ملتی که ملیت خود را حفظ نموده و زمامداران آنان مثل زمامداران بی انصاف ما که در ظاهر خود را ملیت پرور جلوه داده و در باطن آب بینیان ملیت ما می بستند نیست! وزبانمان از شرح سعادت که آنان دارند عاجز است! ولی افسوس که ملت ما از این نعمت بی نصیب بوده و از ملیت آن جز اسم چیزی باقی نمی ماند!

خیانت را به بینید که زمامداران ما برای اینکه این ملت عوام را فریب داده و چنین وانمود کنند که بوطن و ملت خود خدمت میکنند به تظاهرات پرداخته تنها با ساختن عمارات چند طبقه و خیابان های وسیع و انبارهای گندم و تاسیس تشکیلات و ادارات غیر متناسب با محیط و ملت ما و برپا نمودن جشن های بيمورد مردم بیچاره را سرگرم می نمودند بدون اینکه کمترین توجهی به ترقی اخلاق و معنویات ملت بکنند. این ملت جاهل نیز غافل بودند که حتی این آقایان در پس پرده آلت دست مغرضین بوده و بیشه بریشه ملیت ما میزدند!

بقیه دارد

## باریک

این کلمه در لغت بمعنی ضد کلفت و ستبر است در اصطلاح باعتبار مورد مضاف الیه معانی مختلفی را میرساند و ما برای مثال چند جارا می شماریم - میان باریک در کتب حکایت و الف لیله و دیوان شعرا از اوصاف معشوق خیالی است که ملا نصرالدین آنرا تمثیل کرده و مجنون عامری از مصادیق آنست، ابروی باریک عضوی است بالای چشم که طبیعی آن قیافه را جذاب و دلچسب نشان میدهد و اگر بدست آرایش گران صورت پذیرد مانند کمان دردل می نشیند، راه باریک جاده هائست که در کمر کوه و دره ها در عصور ماقبل تاریخ ترسیم شده فقط بز و حیوانات درنده در آن راه پیمائی می کنند گاهی راه مباشر هم از آنجا افتاده با زانوی لرزان از آن میگذرد، کوچه باریک معبری است که در هنگام دزدی و اغتشاش با گذاردن یک درب در مدخل آن راه بسته میشود عقل باریک مختص کسی است که در اطراف قضایا با نظر سطحی نگرد و کردار خود را همه صواب و با اندیشه پندارد اخیراً باریک در پهلوئی موقع زیاد بکار برده میشود و از آن جمله (موقع باریک) ترکیب می یابد و این جمله بعد از سوم شهریور زیاد استعمال و جواب هر استدلال و بیکر هر مغالطه است - مثلاً اگر گفته شود اصلاح کار قند که چندین ماه است وقت اولیای امور را گرفته و توده را از هر اصلاح مهم مایوس کرده و فیصله این کار خیلی کوچک فقط چند ساعت کار و یک کمی مناعت نفس و بیطمعی لازم دارد خواهید شنید (آقا حالاً موقع باریک است) اگر گفته شود بر کردن زندان از زارع بصلاح مملکت نیست دعاوی حقوقی و بوسیده چند سال را باین

شکل جلوه دادن و تهمت طغیان را برای تحمیل مالیات جدید بزراع از طرف مستاجرین بسود مملکت نیست خواهید شنید (آه خواهش میکنم حرف نزنید موقع باریک است) بلی موقع باریک است ولی چه تماس این باریک با کار ستبر دارد آیا چند نفر از معتمدین این شهر نمی توانند اختلاف را بر گذار سازند - موقع باریک نیست من شخص سیاسی نیستم زیاد در ستبر و رویه مطالعه نمی کنم وقتی که از کار موظف خود فراغت پیدا کردم اندکی در اندیشه غوطه می خورم می بینم موقع خیلی باریک نیست و افق سیاست ما کاملاً روشن است میدانم ما در ایران هستیم حدود ایران کجاست همسایگان رؤف ما برای ضرورت سوق-الجیشی از آن حدود بخاک ما وارد شده اند و در اثر این پیش آمد (مانند تکان فکری اغلب ملل کوچک که مرهون حوادث خارجی است) ما قدری آزاد شدیم و حالا آزادی را دوست میداریم مانند فرزند مهربان عزیز میداریم و اندکی میدان فکر و عمل برای ملت فراخ شده میخواستیم با جنب جوش ورزیده شویم اعصاب فرسوده عضلات سست را که اغما چندین سال در ما ودیده گذارده بود با حرکت قوی کنیم و خود را آماده بردانگی داریم حالا آیا کافی است با یک کلمه (موقع باریک است) این آتش عشق کار را فرو نشانیم و مانند حشرات در لانه خود بخزیم؟ - جواب این سؤال را خواهیم داد. ضیائی

## آقای

یک نفر حسابدار بطرز جدید و نامه نویس خیلی مجرب که در تجارت خانه و بنکاه های مخصوص مدتها کار کرده حاضر است در یکی از تجار تفرانه و یا بنکاهها مشغول کار باشد طالبین باداره نامه آذربایجان رجوع نمایند.

### چرا مالیات گذشته ملت را از پا در آورد ؟

میخواهم واقعه ایراکه برای المین مشاهده کرده ام بر خوانندگان عزیز خود شرح دهم روزی از جلو مغازه خیاطی میگذشتم صدای گریه و ناله خیاط مرا مجبور کرد که وارد مغازه شده از چگونگی حالش اطلاعی بدست آرم خلاصه بعد از اینکه خیاط بینوا داغ دل خود را بیان کرد معلوم شد که ناله اش ناله مالیات بوده و اشکش از صحرای ستم مامورین سرچشمه میگرفت چه اظهار میداشت که دارائیم در این مغازه يك چرخ خیاطی بود که از برکت آن دونفر شاگرد و چندین عضو خانواده ام معیشت میکردند مامورین ستمکار مالیه با اینکه بر میزان دارائیم بی برده بودند ولی باز سال گذشته بیست تومان گرفتند که مجموعه قروض بود ولی امسال باوجود اینکه از وضعیت خانه و زندگیم خبر داشتند باز مالیات میخواستند من هم استعداد نداشتم بواسطه تاخیر دیروز فراشان بیعاطفه مالیه چرخ خیاطیم را که امید چند موجود بود بعنوان مالیات و جریمه از پیش دینده هایم برداشته و بردند . بنده نمیخواهم دیگر از وضعیت حالش بنویسم زیرا امیدوارم که خوانندگان با فهم خود بر چگونگی اوضاع آن لحظه خیاط بی بیرند و بر ظلم و تعدی آن مامورین لعنت های موثری که پیش درگاه خداوندی نتیجه بخشد بفرستند . از این واقعه مزبور میتوانیم بر تاریکی وبی اساسی قانون گذشته مخصوصا به مالیات گذشته بی بریم .

نبودند که تیر عدل روزی سینه آنها را هدف خود خواهد کرد ؟ هر روز پهلوی يك دستور ظلم میداد ایشان علاوه بر انجام امر مقداری نیز ستم اضافه می نمودند . پهلوی میگفت مالیات بگیریند ولی میزان بدست مامورین میافتاد از گازی که مزد سالیانه اش بیش از چند تومان نبود یکدفعه زیاده از آن مزد میخواستند گویا میبایست در آنوقت گازر دزدی میکرد تاجیب مامورین را بر می نمودند . از تاجری چند صد تومان که از روی قانون معینی نبود مالیات میخواستند ولی بعد از آنکه تاجر خود بعضی از آقایان را راضی میکرد مالیات بسی یا بیست تومان میرسید از اینجا معلوم میشد که کار دردست ایشان صورت میگرفت . پس آنده بی وجدانها و بیدینها اگر خود شان عقیده راستی بخداوند میداشتند یکدفعه از اول سی یا بیست تومانرا میگرفتند اقل ملت تنها به پر کردن جیب دولت از طعام مقریش کسر میکرد .

مدیر محترم روزنامه آذربایجان یکی از دوستانم سؤالات زیادی با ذکر مثالهای بی شمار از بنده نموده اند خواهشمندم پاسخ چند تایی آنها را که در زیر بعرض میرسد مرقوم فرمائید و یا خوانندگان محترم روزنامه بنویسند تا دوست من از گریبانم دست بردارند .

۱ - مثل سابق روزنامه ها و مجلات کشور بجای درج مطالب مفید اجتماعی ستونهای متعددی از روزنامه را بشرح ترقیات بی اساس منحصر خواهند ساخت ؟ یا بدرد دل مردم رسیدگی خواهند کرد ؟

۲ - مثل سابق و کلاهی مجلس شورای ملی فرمایشی بلکه بقول مجله ماهتاب ارثی بوده و هیچیک از افراد کشور حق انتخاب نخواهند داشت ؟ یا از روی حق و عدالت صاحبان وجدان و دیانت بجای غاصبین انتخاب خواهند شد ؟

۳ - مثل سابق مالیات بردرآمد نظری بوده و بدون رعایت حال اصناف وصول خواهد شد و برای تادیه مالیات مجبوریم دکانهای خود را بسته دو ماه در راهرو اداره مالیات پرسه بزیم ؟ یا قانونی وضع خواهند کرد که از روی انصاف از درآمد حقیقی مردم مالیات بگیرند ؟

۴ - مثل سابق آقای رئیس شیبیت غله آذوقه بنده را که یک نفر تبریزی هستم و با هزار زحمت برای خوراک خانواده ام آرد تهیه نموده ام از ورود بشهر مانع شده و برای اشخاصیکه به تهران آرد میفرستند مقادیر زیادی پروانه صادر خواهند کرد ؟ یا مطابق قانون

و عدالت هر کس میتواند با پرداخت مابه التفاوت دولت از حاصل دستر خود استفاده نماید .

۵ - مثل سابق در دبیرستان دخترانه بجای نفت و خانه داری در عشق بازی خواهند آموخت ؟ یا وزا محترم فرهنگ توجیبی به پاکی اخط خواهند کرد .

۶ - مثل سابق بهر اداره بر این تابلو را خواهیم دید ( تاهفار سخن نگوئی فروغ روح پاکت چنانه باید و شاید آشکار نمیشود ) یا ما آذربایجان را ایرانی خواهند شمرد و اجازه خواه داد بازبان مادری خود حرف بزیم ؟

۷ - مثل سابق هر کس رئیس فرها تبریز شد دبیران آذربایجان را به پیش خدمت خود را هم از مشهد و سایر شهر ستانها انتخاب خواهند کرد ؟ یا نسبت بلیساعت هر کس کار داده غرض را کنار می گذارند .

۸ - مثل سابق بعضی از مامور دولتی مردم را بعنوان مختلفه لغو خواهند کرد و برای خود باغ و چش خواهند خرید ؟ یا در دوره حاضر آنرا را بمحاکمه خواهند کشید .

۹ - مثل سابق مالیات بردرآمد مخصوص طبقه اصناف خواهد شد ؟ تجار هم دسیسه باز یارا کنار گذارده مالیات حقه را خواهند پرداخت .

حسین لطفی

شماره ۸۷۷۸

### آگهی

اینک که بین بندر شرفخانه و بندر گلخانه مسافر بوسیله کشتی حمل میشود برای آسایش مسافری در هر دو بندر مسافر خانه دایر گردیده در کشتیها نیز قهوه خانه موجود است از متصدی مسافر خانه ها و همچنین قهوه خانه کشتی دیگر کرایه دریافت نمیکند تا بهای خوار و بار و کرایه منزل را از مسافری ارزانتر دریافت دارند و از این بابت کمال مراتبت میشود که مسافری راحت باشند .

### ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان ۳ و ۴

طالبین میتوانند پیشنهاد های خود را در پاکت سر بسته که روی آن نوشته شود ( راجع بفروش پارچه نخی ) تا ساعت ۹ روز ۱۵ آذر ماه بدفتر ناحیه تسلیم نمایند . پیشنهاد دهندگان باید مبلغ یکصد ریال بعنوان سپرده بصندوق ناحیه بپردازند که در صورت اصابت و استنکاف بنفع ناحیه برداشت شود . پیشنهاد های رسیده در ساعت ۱۰ صبح پانزدهم آذر ماه باز خوانده خواهد شد . حضور شرکت کنندگان در مجلس رسیدگی آزاد و ناحیه در رد و قبول يك یا کلیه پیشنهادها مختار است به پیشنهاد های بدون تمبر ترتیب اثر داده نمیشود .

### ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان سوم و چهارم

هیچ محتاج بنوشتن اسامی شریف ایشان نیست زیرا : چیزیکه عیان است - چه محتاج بیان است بالاخره دود ظلم دولت و بعضی مامورین وظیفه ناشناس افق حیاترا گرفت اهالی ملت تخم نفاق و کینه را در دل کاشتند حالا ثمره آن تخمهاست که پهلوی در جزیره موریس و آن مامورین هم در این اینطرف و آنطرف میخورند . از مشاهده این نتایج زهر آگینی باید ماملت ستم دیده دفتر نویی از اخلاق پاک بخود تهیه کنیم و ایمان فروشی را ترک گفته با عقیده محکم کار کرده بر حقوق هموطنان خویش تجاوز نمائیم . ذیروح

### آگهی مناقصه

شماره ۸۷۷۹ ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان ۳ و ۴ مقدار ( ۸۰ متر ) پارچه نخی دولا خاکستری رنگ مطابق نمونه بطور مناقصه خریداری مینماید .

# شرح حال:

# انتخابات!

گاندید ایتمن آی آمان یاز منیده  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 هر کسیکه اولوسان هم صحبت  
 آخربنده دیوری چک رحمت  
 ویروری بر سوزده مین قیمت  
 پیس ایلمن یاخشینی قان یاز منیده  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 رای ساتانلار آلور بیر پایدا  
 دخلنی بوخدی سایان یاز منیده  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 ایلمدی ر یاخشی زمانوندی بالا  
 بوخودان بیرجه اویان یاز منیده  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 که کرک هاردا یواخ بو اولونی  
 آلمیشوخ قول ونشان یاز منیده  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 سو وکالت دوزلوب طهراندا  
 بیرتما چوخدا اوزوی هر یاندا  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 قورولوب دوره داخی سن دیه لا  
 ایش باشندا هامی بیزدندی بالا  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 تقدیر دوره بو دور هرزادوزوخ  
 هر نه رنگ اولسا سیزون استادزوخ  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 سنده چوخ بولمه ییزی ساده بیله  
 اولموشوخ هرزادا آماده بیله  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 یغیشیرسوز نه جاهلدان قوجادان  
 قوباروخ ییز باخسوز سیزباچادان  
 آنتخاباته اینان یاز منیده!  
 باچادان باخان!

من شرح حالی ایدم اظهار گر بوگون  
 بو غملی غصه عالیه ایلمر اثر بوگون  
 فکر ایلدوقجه حالی دل اود دوتوب یانار  
 گوزدن آخار عذارمه خون جگر بوگون  
 وار دور یری که آتش آهمنن اود دوتوب  
 یانسون جهاندا شمع کی خشک تر بوگون  
 عمرم یتشدی باشه بو درد و ملالین  
 همدرد گورمدم اوزومه بیر نفر بوگون  
 بو بخت کیم منمدی یقینمدی یوخ سوزی  
 حنظل چنار یرندن اکم گر شکر بوگون  
 من هر کسه بیان ایلمیم شرح حالی  
 بولم ایشدهسه الفتی مندن کسر بوگون  
 کنج غم فراقده هر لحظه نی کیمی  
 گلم فغان و نالیه شام و سحر بوگون  
 گاهی غم زمانه ، گهی جور روزگار  
 تیر جفایه سینمی ایتدی سپر بوگون  
 سلمان عصر اگر اولسان اولیه بولون  
 ویرمز قولاق یقین سوزوه بیر نفر بوگون  
 بولسوز بو روزگار یده شخصون نه مصرفی  
 عاجز قالور اگر چه اول شیر نر بوگون  
 قلبم کیمی طریق معاشم اولوبدی تنگ  
 درد و ملال و رنجله عمرم کیچر بوگون  
 بیر شخصان بش آلتی قران کسشم دون  
 گورسه یخمن ایندی مکرال چکر بوگون  
 باخ اعتباره شهرده اصناف لر منی  
 گورچک دیلر گلدی گنه نسیه بر بوگون  
 بر صنف قالمیوبدی که من نسیه کسیم  
 یوز بوخدی باغلانوب منه هر رهگذر بوگون  
 قیش بالتارینی چاره سیزم یایدا گیوشم  
 یانندی آلودی جسم ضعیفم پش بوگون  
 دورت سنکک اوسته یالوارورام سنک دلره  
 یالوارما قومدا بیرکسه ایتمز اثر بوگون  
 آجلوق دایا ندروب منی لیکن گورن دیر  
 از بس ییوب گدیزی بو بختور بوگون  
 سقل باسوب زبسکه تابولماز جیبده پول  
 شیخ اولموشام بوشهرده چوخ معتبر بوگون  
 آرواد دا ایوده ساخلا موری احتراممی  
 سویلر بلادی باشه دوشدی بو اربوگون  
 قیش گلدی پالتار آلاموسان گورمسن لوم  
 گت باشوه علاج ایله وردوم خبر بوگون  
 خدیجه باجی آلودی اون آرشن گریب دشین  
 آیا هاچان او بزدن اولور مشتحر بوگون؟  
 انصاف دور او گونده کیسون لباس نو؟  
 اگنده گورموسن تو کولوب کهنلر بوگون  
 چوخ مشکل ایشدی دهرده عورت شادتی  
 دوندردی قانه باغرمی بو غصه له بوگون  
 خوشبخت او کسدی آنلامیوب نیک و بد دور  
 وای اونکسه که یاخشی یامانی سپر بوگون  
 آیلوق آلاندا برنچه گون خوش کیچر گونوم  
 امان دوشر بو حاله که ایلمر گذر بوگون  
 چوخلار جهاندا عیش ایدری بولمری نه وار  
 آسوده در گولر او خیر خوشگذر بوگون  
 بولسوز لوق ایلیوبدی منی لال شهرده  
 آچمش زبان شادته هر بی پدر بوگون  
 داد استوقجه دود دلم چرخه قوزانور  
 بس هاردا دور که داده یته دادگر بوگون  
 میدان سیم و زردی نه بازار معرفت  
 بیر تنبله زمانه ده دگیز هنر بوگون

## وفادار لبق!

حقیقتی اولان کوچک حکایله  
 آلدیغیز خبره گوره تازه لقا دیویک  
 استبداد حکومتی داغیلانندان صونرا بر  
 پاره سابق حکومت و فادار قالان آداملر  
 فرصتدن استفاده ایلیوب اوزلری ایچون  
 کوچک حکومت دستگامی دوزلتمکه  
 باشلامشدر:  
 برنفر بیله نقل ایدیر که برگون  
 رفیق لریندن برینین ایوینه گیدوب اونون  
 بالاجا اوغلینین مدرسه یه گیتمگین گوروب  
 علتی سوال ایتمشدر؟ او شاقین دیدیکندن  
 بیله معلوم اولوب که دولتی ییقی  
 مدرسه سنین مدیری گویا سابق حکومت  
 طرفدار لریندن اولدیقی ایچون سابق  
 حکومتدن تقلید ایلیوب و اونون قانون-  
 لارین اوز مدرسه سینده اجرا ایتمکه  
 تصمیم دوتوبدر! مثلا نجه که سابق  
 حکومتده طیاره آلمات ایچون و مریضخانه  
 اهل کمال و صله تابانماز لباسینه

دوزلتمک ایچون و سایر بوکی شیلر  
 ایچون خلقدن زوریله بول آلتیردی؟  
 اودا او مدرسه سینده او خوباناردن اون  
 دینار گچ پولی ویر قران مدرسه پنجره-  
 لرینین جاملارین سالدیرماق ایچون  
 آلیر! و اوز قانونین یرتماقدان اوتری  
 ویرمین لری دوگوب وجسه یوللیر و  
 لاپ آخرده ده مدرسه دن ایشیکه سالدیریر!  
 \* \* \* \* \*  
 بز بو آداملردان که اوز قدیم  
 شاهلرینه بو قدر وفادار قالوب هیچ  
 اولمزا مدرسه لرینده اونون قانونلارین  
 یرتتمک ایتسورلر! چوخ قدر دانلیق  
 ایدیروق! اما بونیده او نلاره توصیه  
 ایدروخ که اگر بو قانونلری اوز ایو-  
 لرینده اجرا ایتسار دها یاخشی اولوب  
 و دها آرتیق اوز وفادار لیقلا رین اثبات  
 ایده جکلمر!  
 آذر بايجان

کیهوش حریر قامتنه گاو و خر بوگون!  
 قلندر!



کاندید بیا بین آگامان یاز منید  
اقتصادی اعیان یاز منید